

تأثیر تکنولوژی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن اقوام ترکمن

آرمین وس کاه - گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
سید هادی قدوسی فر* - استادیار، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

امروزه چگونگی ساخت مسکن بر الگوهای زیستی و نحوه زندگی مردم تأثیر عمده‌ای داشته و تغییرات و تطورات مختلف فرهنگی را بوجود آورده است که با نگاه به معماری قدیم نواحی مختلف، ابعاد این تأثیرات بیشتر درک و فهم می‌شود. از سویی دیگر، «مسکن» پدیده‌ای است که منطبق با کلیت «نظام اجتماعی» حاکم بر فرهنگ در هر قوم یا ملتی شکل می‌گیرد و در واقع با توجه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معانی و هنجارهایی که در «فرهنگ» رایج است؛ و با توجه به سنت و آداب و رسوم که بر ساختار فرهنگی یک قوم یا ملت حاکم می‌باشد، شکل مادی و معنوی فضاهای زندگی را بوجود می‌آورد. از سویی دیگر، امروزه تکنولوژی و چگونگی ساخت بر الگوهای زیستی در مسکن تأثیر داشته و دارد، چنانچه باعث تغییر مفهوم «خانه» به «مسکن» شده است و باعث تغییرات گوناگون سبک زندگی و الگوهای زیستی بالاخص در اقوام ترکمن شده است که این موارد در تغییر روابط و الگوهای زیستی در خانه‌های بومی ترکمنها خود را نمایان کرده است. لذا، در این مقاله با ماهیت تحقیق بنیادی از روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» و ابزار گردآوری داده مشتمل بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و مطالعات میدانی استفاده شده است؛ و از روش تحلیل ساختار کالبدی برای بررسی تأثیر تکنولوژی ساخت و موارد مشابه بر الگوهای زیستی ترکمن بهره گرفته است. در پایان نیز ضمن تحلیل چگونگی این تأثیرات و تائیرات، به مجموعه تغییرات خانه بومی ترکمنها (اوی، تام و موارد دیگر) و تبدیل آنها به مسکن فعلی یا آپارتمانهای جدید در این منطقه اشاره شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، مسکن بومی، تکنولوژی ساخت، الگوهای زیستی، ترکمن.

The impact of technology on life pattern in the housing Turkmen

Abstract

Today, the construction of housing on people's life pattern and lifestyle has a major impact. And cultural changes and evolution has created. Looking at the different regions of the old architecture, the size of these effects is more understanding. On the other hand, "Housing" phenomenon is consistent with the whole "social system" prevailing culture every nation takes shape; in fact, according to a set of values, meanings and norms that the "culture" is common. On the other hand, today's technology and how to build a life pattern in housing has affected and there, you can change the concept of "home" to "house" and causes a variety of changes in lifestyle and life pattern, especially in Turkmen that these changes in relationships and life pattern in their Turkmen native dwellings have revealed. Therefore, in this paper, the nature of basic research methodology "descriptive" data collection, including library and documentary studies and field studies have been used. And physical structure analysis method to evaluate the effectiveness of biological patterns of Turkmen and the like is used. Finally, the analysis of the impact of changes to a local house of (oy, Tom and others) and convert them into existing houses or new apartments in the area mentioned And is analyzed.

Key words: culture, indigenous housing, construction technology, biological models, Turkmen.

خانه و مسکن، نوعی «حریم فرهنگی» است که ما را از دیگری جدا می‌کند و در عین حال زندگی و همزیستی با دیگران را ممکن می‌سازد. داشتن سرزمین و خانه‌ای از آن خود، نه تنها به معنای تثبیت و رهایی از سرگشتگی است، بلکه به معنای دستیابی به «حریم خصوصی» است. «حریم» جایی است که انسان می‌تواند آرامش داشته و آنگونه‌ای که خود و فردیت او ایجاب می‌کند، زندگی و رفتار نماید. بر اساس این ویژگی‌ها می‌توان به شکل‌گیری نحوه تعامل افراد در فضای خانه و ساختار زیست در مسکن اشاره کرد. مطالعه اجتماعی و فرهنگی خانه از این بعد اهمیت دارد که ما به دنبال این باشیم که بدانیم این خانه با توجه به فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی منطقه چگونه ساخته می‌شود؟ در واقع با گذشت زمان و دستیابی به تکنولوژی‌های نو چه تغییراتی در الگوهای زیستی و سکونتی و بالتبع بر کالبد معماری خانه صورت می‌گیرد؟ شایان ذکر است که با توجه به فرهنگ و خرده فرهنگ‌های حاکم در مناطق بومی باید این پدیده را تفسیر و تشریح کرد؛ و یا اینکه هر فردی چگونه خانه را توصیف و ترسیم می‌کند که در این مقاله، موارد فوق‌الذکر در خانه‌های پیشین ترکمنها و مساکن جدید آنها و تاثیر تغییر «تکنولوژی» در تغییر «سبک زندگی» و فضاهای کالبدی خانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در رابطه با الگوهای زیستی در مساکن بومی تحقیقاتی صورت گرفته که می‌توان به پژوهش‌های گسترده‌ای توسط برومبِرژ (۱۳۷۸)، خاکپور و دیگران (۱۳۷۸، ۱۳۹۰) و اسمیت و کرافت (۲۰۰۶) و ... اشاره کرد.

علاوه بر این، مطالعات اجتماعی به نحوه تعامل افراد در خانه اهمیت می‌دهد، در واقع برای پژوهشگر این تعاملات اهمیت دارد که از چه «محتوا و معنایی» برخوردار است؟ با توجه به ساختار ارزشی و هنجاری که بر فرهنگ یک جامعه حاکم می‌باشد

افراد برای بردن یا نبردن دیگران به خانه باید رفتارها و اعمالی را پیاده کنند، در واقع اینکه در خانه فضاهای متفاوتی وجود دارد که هر یک از این فضاءها از کارکردهای متفاوتی اعم از «قدسی بودن، عرفی بودن، خاص بودن» برخوردار است، مورد تفسیر و تشریح قرار می‌گیرد. لذا باید گفت که «خانه و مسکن»، یکی از مهم‌ترین اشکال «سازمان‌دهی اجتماعی فضا» است که مانند بسیاری دیگر از مجموعه‌های ساخت بشر، ماهیتی دوگانه دارد: ۱. تحت تأثیر فرهنگ شکل می‌گیرد و ۲. به نوبه خود بر آن تأثیر می‌گذارد. این فضا، در کانون توجه برخی از فیلسوفان معاصر مانند «گاستون باشلار» فرانسوی و «مارتین هایدگر» آلمانی قرار گرفته و به تبع آن، بحث‌هایی در سایر رشته‌ها نیز ایجاد شده است. الگوهای معنایی از خانه در زندگی روزمره انسانی به امتداد تاریخ گستردگی داشته و لذا در هر برهه‌ای امکان پیدا کردن بنایی که جای خانه روزانه را در بخشی از سلوک زندگی انسان‌ها بگیرد، وجود داشته است. از سوی دیگر، شکی نیست که معماری در تعاملی دوسویه «هم بر فرهنگ و هم از فرهنگ تاثیر گذاشته و تاثیر پذیرفته» است، چنانچه مقوله جامعه‌شناسی شناخت، سعی در شناسایی این حلقه‌های مفهومی و معنایی تعاملات فرهنگ (جامعه) و معماری دارد؛ لذا رسیدن به یک فرایند اندیشه ارتباطی خاص بینابینی (بدون فرم و شکل از قبل تعیین شده) مشتمل بر عناصر خردگرا و حس-گرای اجتماعی معماری مانند فلسفه، زیبایی‌شناسی، پدیدارشناسی، و اخلاق، به عنوان ابزار و داده‌های فرآیند پایدارسازی بستر اجتماعی معماری با تکیه بر الگوی فکری خاص و نتایج اجتماعی مشخص به صورت واکنش‌های استاندارد ولی نسبی جامعه و نسبت به معماری با بازخورد ادراکی از معماری، از جمله مفاهیمی است که لازم است تا در رابطه فرهنگ و معماری خانه مورد بحث باشد. در این مقاله به نحوه تاثیر تکنولوژی بر الگوهای زیستی در مسکن پرداخته شده و نکاتی چند در این رابطه از

بازخوردهای آن در مسکن بومی ترکمنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ادبیات تحقیق سکونت

«سکونت» را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است؛ بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد. سکونت از نظر هایدگر، فرآیندی است که آدمی در جریان آن «مکان بودن» را تبدیل به خانه می‌کند و با چهار منبع اصلی تفکر یعنی خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می‌پردازد (یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)؛ به عبارت دیگر، «سکونت از نظر او سقفی را سایبان قرار دادن یا چند مترمربع زمین را زیر پا گرفتن نیست» (شولتز، ۱۳۸۷، ص ۹) و مفهومی فراتر از این است. در واقع، برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است که در این رویکرد، خانه، فریضه‌ای دارد که می‌باید با زمین و آسمان به انجام برساند. اولین مفهومی که بعد از شنیدن کلمه سکونت در ذهن انسان نقش می‌گیرد، ساکن شدن و اتراق کردن در یک مکان است. «هایدگر» مصیبت واقعی سکونت را «کمبود مسکن» نمی‌داند و به نوعی شاخص کیفیت را مطرح می‌کند، این که سکونت کردن فاقد فکر کردن و بنا کردنی مناسب و درخور او شده است. «بی‌خانمانی» نیز به نظر او، بیش از آنکه نداشتن سقف بالای سر باشد در بیگانگی از تعادل است، تعادل بین امر مادی و معنوی، بین زمین و آسمان. آدمیان مدرن به فراموشی نسبت به چگونگی سکونت دچار گشته‌اند. بدین سبب چگونه در خانه بودن و ساختن را نیز به فراموشی می‌سپارند. اکنون آنان بدون آنکه مکان را تحت سکونت خود درآورند تنها در آن حضور دارند

(یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۴). «کریستین نوربرگ شولتز» روش‌های سکونت را به چهار شیوه تقسیم می‌کند:

۱. سکونت به صورت طبیعی؛
۲. سکونت مجتمع؛
۳. سکونت عمومی؛
۴. سکونت خصوصی.

از سوی دیگر، مسکن پدیده‌ای اجتماعی است و انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم ظاهری آن از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (پوردیپیمی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). سکونت طبیعی اولین بار در آبادی شکل گرفت؛ لذا انواع جنبه‌های زیستی در مقوله سکونت عبارتند از:

۱. آبادی؛ محلی است که محیط طبیعی مفروضی را در برگیرد. در نتیجه؛ آبادی، صحنه رخداد سکونت طبیعی است. با توجه به تمایل انسان برای زندگی اجتماعی، سکونت‌گاه‌های جمعی شکل گرفتند.
۲. فضاهای شهری، صحنه ملاقات و دیدار است، جایی است که انسان‌ها در آن مصنوعات، اندیشه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. بدین صورت؛ سکونت مجتمع شکل گرفت. پس از شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های مجتمع، چارچوب‌های توافق بین انسان‌ها به وجود آمدند.
۳. توافق؛ بیان‌کننده ارزش‌ها و منافع مشترک است و امکان عضویت در گروه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. از ملزومات توافقات اجتماعی، وجود فضاهای دیدار و مشترک بین اعضای اجتماع است. این فضاها، مکان‌های عمومی هستند که ارزش‌های مشترک در آنها نگهداری می‌شوند. سکونت عمومی پس از توافق اجتماعی و ایجاد مکان‌های عمومی معنی پیدا می‌کند.
۴. جنبه دیگر سکونت، خلوت فرد است که یکی از

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۱

مفاهیم کم رنگ شده در ساخت و ساز های جدید

-کم رنگ شدن مسائل اقلیمی	-تبدیل فرم ارگانیک واحدهای مسکونی به فرمهای کاملاً هندسی
-نادیده گرفتن مسائل مربوط به حریمیت در فضاها	-حذف فضاهای نیمه باز و بینابین در واحدها
-استفاده از مصالح روز (بدون توجه به بافت پیرامون واحدها)	-حذف کارکرد حیاط و تبدیل آن به پارکینگ
-طراحی نماهای همسان با خانه های شهری	-حذف فضاهای خدماتی در واحدها
-عدم توجه به اندازه فضاها	-تفکیک کامل فضاهای زیستی بر اساس کارکرد
-عدم توجه به دید و منظر	-حذف سلسله مراتب ورودی

با طبیعت به حیات خود ادامه دهد. بنابراین مسکن نه تنها رنگ تاریخ بلکه رنگ جغرافیا نیز دارد. اما در اینجا نیز انسان به دستکاری طبیعت می پردازد و بر آن مسلط می شود تا بتواند خانه ای بسازد که با فرهنگ او سازگار باشد نه صرفاً با مقتضیات طبیعت. از اینرو، خانه را باید بیش از هر چیز «برساخته» یا «سازه ای اجتماعی و فرهنگی» دانست نه صرفاً سازه ای از مواد و مصالح چوب، سنگ. بطور عام فضای مسکونی را که انسان ها در

آن اقامت و زندگی می کنند «خانه» می نامند. مسکن از منظر «مهندسی عمران»، یک بناست که در ترکیب با ابعاد زیبایی شناسانه و با تدقیق پتانسیل زیستی درونش وجهی معمارانه نیز به خود می گیرد. در هر دوره تاریخی، فرم خانه متناسب با شرایطی که انسان در آن قرار داشته، تغییر کرده است. این تحول را می توان از روی نمونه ها و بقایای موجود خانه های اقوام نخستین تا اقوام امروزی مشاهده کرد. خانه به مثابه یکی از مولفه های اساسی زندگی اجتماعی، نقش اساسی در فرهنگ انسانی دارد. این پدیده منطبق با کلیت نظام اجتماعی حاکم بر فرهنگ انسانی در هر قوم یا ملتی شکل می گیرد. در واقع با توجه به فرهنگ و ریشه هایی که بر ساختار فرهنگ یک جامعه حاکم است، شما در خانه با آیین های بسیاری روبرو می شوید؛ که باید هر یک از این آیین ها معناشناسی و مفهوم سازی گردد. از منظر دیگر باید اشاره به این کنیم آنچه که خانه را به عنوان یک وجه فرهنگی و اجتماعی برای ما بااهمیت کرده است؛ این که این

ابزارهای شکل گیری و پرورش هویت فرد است. این شیوه سکونت را می توان با توجه به فعالیت هایی که باید از دخالت دیگران دور نگه داشته شوند، سکونت خصوصی نامید. به طور کلی؛ آبادی، فضاهای شهری، فضاها و نهادهای عمومی و خانه همراه یکدیگر، محیط کل یا محل سکونت (جایی که در آن سکونت به صورت طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی شکل می گیرد) را به وجود می آورند.

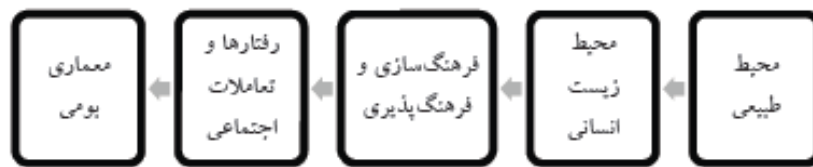
خانه

در ادبیات علمی و به تبع آن در این پژوهش، مسکن صرفاً بنایی نیست که به عنوان خانه مورد استفاده قرار می گیرد. مسکن (housing) کلیتی از مباحث عمران، معماری و شهرسازی، علوم اجتماعی، اقتصاد، و جمعیت شناسی را در برمی گیرد. عناوینی چون همسایگی (neighborhood)، نوع تصدی (صاحب خانگی) (homeownership) یا استیجاری و غیره، شکل خانه (آپارتمانی یا ویلائی، مجتمع مسکونی (residence) یا خانه شخصی (Owner-occupied)، خوابگاه اشتراکی و غیره)، و بازار مسکن ذیل بحث مسکن مورد مطالعه قرار می گیرد. مطالعات مسکن را می توان در سه دسته طبقه بندی کرد؛

۱. «فرهنگی، زبانشناختی و تاریخی»؛
۲. «فلسفی و پدیدارشناختی»؛ و
۳. «روانشناختی».

خانه از هر نوعی که باشد لاجرم در طبیعت و بر روی طبیعت و با استفاده از مواد بدست آمده از طبیعت ساخته می شود. و نمی تواند بدون سازگاری





نمودار ۱. محیط زیست و بستر فرهنگی برای ظهور معماری بومی؛ ماخذ: خاکپور و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۳.



محدود بودن حوزه مطالعات میدانی مشاوران در تهیه الگوهای مسکن نگاه شهری بر فرایند توسعه روستایی در تهیه الگوهای مسکن روستایی عدم انجام یافتن معاملات اجتماعی در تهیه الگوهای مسکن روستایی عدم داشتن ابزارهای لازم برای خدمت‌رسانی اجرایی الگوهای مسکن روستایی	الگوهای تهیه شده توسط مشاوران و بافر	نظام فیزی و اجتماعی	معادلت پارس‌سازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	توجه بیش از اندازه در جهت تحقق کمی طرح و غفلت از جنبه‌های کیفی در آغاز طرح	مترادف دانستن ارتقاء کیفیت مسکن روستایی با مقاوم‌سازی مسکن روستایی	عدم باور راستین کارشناسان بنیاد مسکن به فرآیند اجرای الگوهای مسکن محسوسیت‌های اقتصادی

نمودار ۱. (سمت راست) ابعاد روند سکونت‌زیستی بشر؛ ماخذ: نگارندگان و نمودار ۲ (سمت چپ). حوزه‌های تأثیرگذار بر مسکن بومی؛ ماخذ: بی‌تی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۳

تابع ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است به نحوی که بیشترین همخوانی را با مدل آرمانی آن فرهنگ داشته باشد. در واقع آنچه انسان می‌سازد از بنای یک خانه گرفته تا یک شهر، تجسمی از آرمان‌ها و ایده‌آل‌های فرهنگی است. به نظر راپاپورت فرهنگ به «مجموعه ارزش‌ها و عقاید مردمی که ایده‌آل‌ها و آرمان‌های آن‌ها در یک جهان‌بینی شکل گرفته است» اطلاق می‌شود. بر اساس این اصول و قواعد است که مجتمع‌های زیستی در عین ساخته شدن به دست افراد مختلف به صورت یک «تمامیت با هویت» در می‌آیند و قابلیت تمییز از دیگر نمونه‌ها را پیدا می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۶۶، ص ۱۷).

لذا تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد؛ چراکه شیوه هرکدام از گروه‌ها ویژگی خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات،

پدیده نقش بسیار موثر و تأثیرگذاری بر شکل دادن هویت فردی و جمعی دارد. در واقع با توجه به اصل جامعیت، خانه جزئی از فرهنگ یک جامعه است که قابل مطالعه است.

فرهنگ و الگوهای زیستی در مسکن

پیش از پرداختن به این بخش باید اشاره کرد که «راپاپورت» برای توضیح رابطه «فرهنگ و محیط»، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی قلمداد می‌کند. جهان‌بینی نگرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است. ارزش‌ها، دربرگیرنده مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها و آرمان‌هاست که هنجارها و قوانینی را شامل می‌شود. نوعی روش زندگی را شکل می‌دهد که کلیه فعالیت‌ها بر اساس آن تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت انتظام بخشی محیط مصنوع



تصویر شماره ۲- سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متأثر از موقعیت جغرافیایی فرهنگ و نوع معیشت در مسکن (بندر دیوان استان هرمزگان)

تصویر ۶ ضرورت توجه به تکنولوژی و دانش بومی در طراحی و ساخت پروژه های نوسازی مسکن روستایی و ارتقای آن (روستاهای کلاته خنج استان سمنان)



تصویر ۲. تکنولوژی و دانش بومی در نوسازی مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۹ و تصویر ۳. سطح زمین اختصاص یافته به مسکن متأثر از جغرافیای فرهنگی و نوع معیشت مسکن؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۸.

۱۳۸۲، ص ۶۶). لذا انطاف پذیری مسکن می تواند راهکاری برای ترسیم چهره ای جدید از مسکن جدید بشمار رود که الگوی آن در نمودار زیر بیان شده است.

مولفه های فرهنگی - اجتماعی ترکمنها در مسکن

در مورد تاریخ اقوام ترکمن ابهامات فراوانی وجود دارد. اما با وجود این ابهامات نکات مشترکی که در مورد تاریخ ترکمنها در منابع وجود دارند به ما می گویند که این قوم شاخه ای از ترکهای آسیای میانه اند و در بخش جنوب غربی آسیای مرکزی (جمهوری ترکمنستان)، نواحی شمال ایران (ترکمن صحرا)، افغانستان و چند گروه از آنها در عراق و ترکیه زندگی می کنند. «آوامبری» در سیاحتنامه درویش دروغین، ترکمن ها را به طوایف زیر تقسیم می کند (وامبری، ۱۳۶۵، ص ۳۸۴): «۱. چاودور؛ ۲. ارزاری (ارساری)؛ ۳. آل علی؛ ۴. قره؛ ۵. سالور؛ ۶. ساریق؛ ۷. تکه؛ ۸. گوگلان؛ ۹. یموت».

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن های ایران): در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه های اجتماعی مرتبط با موضوع می پردازیم. ۱. «ساختار ابتدایی اقوام ترکمن» (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیابانگردی) داشته اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی اند؛ (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن

حرفه، ایدئولوژی و غیره آن را تعیین می کند. روش زندگی به طور فزاینده ای در تقسیم بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می گیرد. شیوه زندگی افراد را می توان با سنجش الگوی مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط اجتماعی تعیین نمود (پوردیهیمی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). از سویی دیگر، معماری نزد بشر اولیه با «تعیین حریم و شاخص کردن قلمرو» صورت پذیرفته و با گذر زمان به شکل پیچیده ای «بازتاب وضعیت زندگی اجتماعی» بشر شده است. تحقق نیاز به تصرف فضا و تغییرات آن که در ابتدا با علامتگذاری انسان صورت می پذیرفته، در طی زمان تکامل پیدا کرد: «۱. نخست آنکه پاسخگوی ارتقاء شعور و مفهوم هر آن چیزی است که انسان در دنیای پیرامونی خود انجام می دهد و بازنمایی کارهای وی و فراقکنی مقیاس کوچکی از دنیایی است که برای خود ساخته است؛ و ۲. دوم در پاسخ به نیاز بشر به ارتقای رفاه و ویژگی تلاش برای بهبود وضعیت محیط زیست پیرامون، متناسب با اوضاع اجتماعی مشخص تغییر یافته است» (خاکپور و شیخ مهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱).

از سویی دیگر با تغییر در نظام خانواده فضاهای سکونتی نیازمند تحول می باشند. در حال حاضر زندگی در خانواده های هسته ای و در مسکن جدید تحت تاثیر تغییرات سنی کودکان و بزرگسالان و تغییر نیازهای آن در طول زمان است (عینی فر،

چراگاه های بهتر برای دام های خود می باشند. این تحرکات خود موجب آشنایی با فرهنگ ها و جوامع مختلف در سر راه یافتن چراگاه می شوند و همانگونه که ذکر شد گاه این تحرکات به صورت مهاجرت های عظیم، موقعیت تاریخی و جغرافیایی منطقه ای وسیع را تحت الشعاع قرار می دهند. اما جوامع کشاورزی به جوامعی می گویند که به کشت محصول می پردازند (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱). جوامعی همچون جامعه ترکمن ها در مقاطعی دارای اقتصاد مختلط شبانی و کشاورزی بوده اند. تحرک جوامع شبانی و سکون جوامع روستایی باعث پیدایش گونه های متفاوتی از نمادها و نشانه ها می شود (کیتسی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «ساختار ایلی»: ترکمنها پدرتبار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گسترده بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند. جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای اجتماعی است که از پیوستن خانوارهایی هم نسبت به وجود می آید (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰). بنابراین تبار و خویشاوندی یکی از عوامل مهم این نظام است و تقسیم اجتماعی کار در نزد ایشان نیز در قالب همین سازمان خانوادگی شکل یافته است (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۴۹). ترکمن ها همانند بسیاری از عشایر ایران زمین دارای ساختاری قبیله ای و عشیرتی بوده اند. ویلیام آبرونز در مقاله ای این نظام را در ساختاری سیاسی تعریف می کند. وی می گوید: «کوچکترین واحد سیاسی ترکمن ها خانواده هایی بودند که با هم بیشتر از هفت پشت پدری فاصله نداشتند. از این رو از اتحاد چند واحد، با چنین وضعیت، «ابه» به وجود می آمد، از اتحاد چند «ابه» یک «طایفه» از اتحاد چند «طایفه» یک «قبیله» از اتحاد چند «قبیله» یک «ایل» و از اتحاد چند «ایل» گروه قومی یعنی ترکمن به

وجود می آمد. با مهاجرت ترکمن ها و رسیدن آنها به ترکستان اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایشان نیز به تدریج تغییر کرد. این تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ترکمن ها در مراحل زیر و به مرور زمان پیش آمده است: مرحله اول: بیابان گردی و کوچ نشینی؛ ۱. مرحله دوم: رسیدن به ترکستان و ترکمن صحرا و ساکن شدن در آن؛ مرحله سوم: یکجانشینی و گرویدن به اسلام؛ مرحله چهارم: روستانشینی و شهرنشینی (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۱۸۲). ترکمن ها برای سازگاری خود و ادامه بقا در هر مرحله به تغییرات، در طی زمان، تن داده اند.

۲. «ازدواج و مراسم آیینی»: پورکریم در مجموعه مقالات خود در مجله هنر و مردم رابطه هر فرد ترکمن با یکی از طایفه های بزرگ ترکمن را به صورت زیر نشان می دهد (پورکریم، ۱۳۴۶، ص ۶۴):

فرد ← خانواده ← ابه ← تیره ← طایفه

بیان یافته های تحقیق

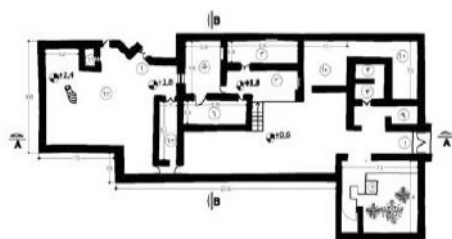
نوع فعالیتهای اقتصادی و چگونگی معیشت در خانه های بومی و سنتی تاثیری شگرف بر معماری این بناها داشته است؛ چنانچه خانه های بومی برای انطباق با معیشت و نوع زندگی روستاییان یا ساکنان آنها ساخته می شده است که نمونه های آن در معماری خانه های ترکمنها نیز دیده می شود. لذا، «عامل دیگری که در کل مسکن تاثیر دارد نوع رفتار و فعالیتهای معیشتی مردم است» (خاکپور، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

اقوام ترکمن در زندگی کوچ نشینی خود دارای آداب و رسوم و نوع زندگی خاصی بوده اند که با یکجانشینی این آداب و رسوم را به خانه ها و محیط روستایی یا شهری خویش منتقل کردند. اصیل ترین منزلگاه ترکمنها، آلاچیق شان می باشد که در دوره دامداری و کوچ نشینی مأمّن و پناهگاه ایشان شمرده می شد. ساخت آلاچیق ها، مراسم همراه آنها، تزیینات داخلی آلاچیق ها، نوع خاص زندگی ترکمن ها را نشان می دهد؛ با یکجانشین

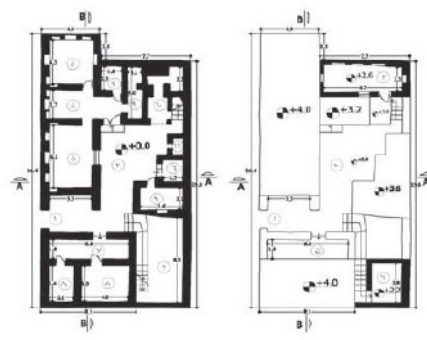
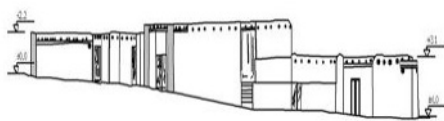


شدن و آغاز کارخانه سازی ترکمن ها، باز می توان نشانه هایی از آلاچیق ترکمنی را در خانه های روستایی نیز یافت، فضای بدون دیوار اولین خانه های ساخته شده در ساحل دریای خزر، در منطقه گمیشان، خواجه نفس و بندر ترکمن، منازلی با اتاق های محدود و فضاهای باز و بدون تقسیم بندی برای حریم خصوصی افراد، آویزه های روی دیوارها که در آلاچیق ها مورد استفاده قرار می گرفت، کمدهایی که روی آنها رخت خواب می گذاشته اند، همه در منازلی که اکنون ترکمن ها سکونت دارند کمابیش به چشم می خورند. مسکن ترکمن ها با توجه به این که در ابتدا کوچ نشین بودند و در این صد سال اخیر، به تدریج یکجا نشین شدند. از نظر فنی می توان به سه دسته تقسیم کرد: ای (آلاچیق)؛ ۲- تام

(خانه)؛ ۳- ساختمان های مدرن امروزی. اوی های ترکمنی؛ ترکمنها در قدیم اوی را به دلیل قبه ای شکل بودن، قبه ای از قبه های بهشت می دانستند و آن را مظهر سلامتی و نشانه سخاوت و آسایش می شمردند؛ به دلایل زیر: الف- در مقابل زلزله مقاوم بود؛ اگر آسیبی هم به وسایل خانه - وسایل شکستنی- وارد می آمد برای جان افراد هیچ نوع نگرانی نداشت. ب- در ورودی بدون قفل بود و همیشه برای ورود مهمان آماده: زیرا ترکمن ها مهمان نوازی را نشانه سخاوت می دانستند. ج- نصب کردن، برچیدن و حمل و نقل اوی آسان بود. آلاچیق در واقع مسکن اولیه ترکمنها بوده و با ساخت اجتماعی آنها کاملاً همخوانی دارد. البته در حال حاضر، آلاچیق بسیار بندرت یافت می شود و



- | | |
|--------------|--------------------|
| ۱. ورودی | ۷. نورخانه |
| ۲. حیاط | ۸. توالت |
| ۳. ایوان | ۹. انبار |
| ۴. مهمانخانه | ۱۰. آغل |
| ۵. نشیمن | ۱۱. چاله سیب زمینی |
| ۶. آشپزخانه | ۱۲. حیاط دامی |



- | | |
|--------------|------------|
| ۱. ورودی | ۷. بهارند |
| ۲. حیاط | ۸. آغل |
| ۳. ایوان | ۹. انبار |
| ۴. مهمانخانه | ۱۰. طویله |
| ۵. نشیمن | ۱۱. مرغدان |
| ۶. عطرچ | |



تصویر ۴. (به ترتیب از راست به چپ) خانه با معیشت دامی و فروش لبنیات؛ روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان، ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۸؛ و تصویر ۵. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرندیه؛ ماخذ: سرتیپی پور، ۱۳۹۰، ص ۹۸.

تنها معدودی از ترکمن‌های کوچ‌رو از آن استفاده می‌کنند. معمولاً طرز قرارگیری اوی‌ها به این ترتیب است چند اوی در کنار هم قرار می‌گیرند که نشانه ارتباط اجتماعی، خویشاوندی و اقتصادی ساکنان آنها می‌باشند زیرا اوی‌های همسایه معمولاً خویشاوند بوده و دارای مرتع مشترکی هستند و دامهای آنها در یک گله چرا می‌کنند. هر چند تا اوی را مجموعاً یک (ابه) (oba) می‌خوانند. ابه‌ها به فاصله یک تا چند کیلومتری هم قرار دارند. مجموعه چند ابه یک طایفه و نهایتاً هر چند طایفه یک ایل را تشکیل می‌دهند. بنابراین برای هر فرد ترکمن، این سلسله مراتب اجتماعی مصداق دارد: فرد- خانواده (اوی)- ابه- تیره- طایفه- ایل. معمولاً اوی‌های هر ابه را بر روی یک خط مستقیم بر پا می‌کنند و آلاچیق ریش سفید و بزرگ در ابتدای این ردیف قرار می‌گیرد. پس از یکجانشین شدن ترکمن‌ها و تبدیل آلاچیق به خانه‌های سابق در یک جمله می‌توان از آنها به عنوان مسکن سنتی یاد کرد. در ساختن مسکن سنتی از مصالحی استفاده می‌شود که در محیط طبیعی پیرامون وجود دارند. فراونی استفاده از چوب در مسکن ترکمنها بسیار چشمگیر است. دلیل استفاده ترکمنها از خانه‌های سنتی که امروزه کاهش یافته است، به چهار عامل برمی‌گردد که عبارتند از:

۱. «عوامل فرهنگی»: گرچه ترکمنها دیگر در آلاچیق زندگی نمی‌کنند و یکجانشین شده‌اند، ولی ساخت جامعه ترکمن تغییر چندانی نکرده است. کاملاً آشکار است که استفاده از چوب در این آلاچیق‌ها بسیار فراوان است، پس به کار بردن چوب در ساخت مسکن یک عادت فرهنگی است و یک قسمت کوچک از ساخت جامعه ترکمن است. ۲. «تکنولوژی ناقص معماری»: در بررسی خانه‌های کاشان، یزد، کرمان و غیره که سابقه یکجانشینی چند هزار ساله دارند می‌بینیم سابقه یکجانشینی باعث افزایش تجربه مردم بومی در رابطه با معماری شده است و خانه‌ها با محیط طبیعی

سازگاری کامل دارند. اما ترکمنها نمی‌توانند آنگونه خانه بسازند که یک روستایی گنابادی، یزدی، کاشانی می‌سازد که با استفاده از سقفهای گنبدی یا قوسی فضایی وسیع ایجاد می‌کند. او مجبور است با تیرهای چوبی سقف را پر کند و فاصله آنها را هم از حد معینی نمی‌تواند زیادتر کند زیرا ممکن است سقف شکم آورده و بشکند که در این حالت باید با زدن ستون، بار سقف را به ستونها منتقل کند.

۳. «مالکیت منطقه»: مالکیت منطقه شمال غربی خراسان متعلق به ترکمنها می‌باشد که آنها از منابع طبیعی این منطقه نهایت استفاده را برده‌اند. ۴. «وجود جنگلهای ارس»: به دلیل اقلیم و پوشش گیاهی این منطقه، اگر ترکمنها این همه چوب ارس در دسترس نداشتند برای پوشش سقفهایشان راه دیگری را انتخاب می‌کردند.

۵. «پلان ساختمان»: در یک روستای ترکمن نشین معمولاً به خانه‌هایی بر می‌خوریم که دارای چندین اتاق در کنار هم می‌باشند. این اتاقها در یک ردیف قرار داشته و هر کدام دری دارند که به سمت ایوانی سرتاسری بازمی‌شود. این ایوان دارای سقفی است که بر روی ستونهای متعددی استقرار پیدا کرده است. معمولاً در زیر این اتاقها طبقه دیگری هم وجود دارد که به عنوان طویله یا انبار به کار می‌رود. ابعاد اکثر اتاقها از ۴*۵ متر تجاوز نمی‌کند ولی طول ایوان یا به عبارتی در ازای ردیف اتاقها بسیار متغیر بوده و به گستردگی یک خانه یا حتی یک خاندان بستگی دارد. در بعضی موارد هر اتاقی برای خود توالتی دارد که بیرون ردیف اتاقها و در گوشه‌ای از محوطه ساخته می‌شود. علاوه بر این در میان محوطه به یک تنور برمی‌خوریم که از سطح زمین بلندتر ساخته شده و برای استفاده همه اتاقها مشترک است.

تامهای ترکمنی؛ این ساختمان کوچک (تام) نمونه اولیه ساختمان‌های چوبی ساخته شده در نواحی ساحلی ترکمن صحرا می‌باشد. اکنون اصطلاح

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۵۷

«تام» در مورد هر ساختمانی که ساخته می شود، صرف نظر از هر گونه مصالحی که در آن به کار رود، در زبان ترکمنی مورد استفاده قرار می گیرد. اولین نمونه نسبتاً پیچیده معماری ساحلی ترکمنها را می توان اقامتگاه محمد علیشاه در شهر خواجه نفس دانست (گلی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۲). مناطق ساحلی ترکمن نشین استان گلستان، دارای آب و هوایی مرطوب و در فصل های سرد سال، اغلب بارانی است. بر این اساس مسکن این مناطق، هم باید جوابگوی نیاز انسان به سر پناه باشد و هم آسایش اقلیمی ایشان را به طور نسبی تأمین کند. از این رو مشاهده می شود، مساکن این ناحیه به گونه یی طراحی شده اند که رطوبت غیر قابل تحمل اقلیمی را کاهش دهند تا شرایط دما و رطوبت، در حد آستانه آسایش ساکنان قرار گیرد. به این دلیل این ساختمانها دارای ایوان هایی در چهار طرف بنا می باشند و دور تا دور آنها پنجره تعبیه شده است تا حرکت جریان های هوا را که از دریا برمی خیزند، در داخل بنا تسهیل نمایند. ایوان در تمام کم عرض می باشد و تنها کارکردهایی از جمله استراحت، غذا خوردن و پرداختن به کارهای روزانه در ایوان این نوع ساختمان، امکانپذیر می باشند، در عین حالی که وجود جریان هوا که از جانب دریا می-وزد، باعث می شود تا نیاز چندانی به استفاده وسیع از ایوان ها احساس نشود. به علت رطوبت بیش از حد زمین و گرمای شدید در فصل تابستان، تامها را برای محافظت از رطوبت، منفصل و جدای از زمین می ساخته اند. این ساختمان ها چه به جهت تنظیم دمای درون ساختمان (تنظیم شرایط محیطی) و چه به جهت محافظت از رطوبت بیش از حد خاک، بر روی پایه هایی در حدود نیم و گاه یک متر ساخته می شده اند. سقف این سازه ها نیز متناسب با شرایط اقلیمی این مناطق طراحی شده است چنانچه بطور مثال سقف-هایی که به صورت زیر شیروانی می باشند، برای جمع آوری آب باران در آب انبار کنار ساختمان نیز مناسب بوده اند.

فعالیت های اقتصادی در تام؛ نوع رفتار و فعالیت های معیشتی و اقتصادی پس از اسکان در بین ترکمن ها، از عوامل دیگر شکل گیری تام ها بوده است. با اسکان این قوم تا مدتی تغییر اساسی در نوع فعالیت های معیشتی ایشان به وقوع نپیوست و تام ها، بر اساس همان فعالیت های معیشتی موجود در آلاچیقها ساخته می شده اند. در مناطق ساحلی کار اصلی مردم ترکمن ماهیگیری می-باشد و در کنار آن ترکمن ها به کار قدیم خود، دامپروری و گاهاً به کشاورزی می پردازند، چراکه به علت شور بودن آب این مناطق و وجود بادهای شدید دریایی، امکان کشت و کار و باغداری در این نواحی اندک است. مساکن سنتی این مناطق بر روی پایه هایی ساخته می شوند، در برخی از طرح ها این پایه ها به قدری بلند انتخاب می شوند که در زیر بنا فضایی خالی باقی می ماند. از این فضا گاهاً به عنوان محل نگهداری حیوانات استفاده می شود و در برخی موارد به عنوان انبار یا کارگاه قالببافی برای زنان مورد استفاده دارد. اما غالباً محل نگهداری حیوانات و کارگاه ها یا انبار علوفه جدا از بنا ساخته می شوند. در کنار برخی ساختمان ها مکانی به نام تلار (Telar) وجود دارد که به عنوان محل آسایش تابستانی مورد استفاده قرار می گرفته است و دارای پایه های بلندی از چوب است که در زیر آن محلی برای نگهداری دام ها در نظر گرفته می شده است. یکی از فعالیت های زنان ترکمن نخ ریزی بوده است که جهت انجام این کار در سقف تامها حلقه یی برای آویختن دوک نخ ریزی تهیه می شده است و ترکیبی بدیع و زیبا از همسازگی فعالیت های اقتصادی و معیشتی با سازه مسکن را نمایش می دهد چنانچه این حلقه ها غالباً در سقف تام تعبیه می شده اند. از جمله مهمترین فعالیت اقتصادی زنان ترکمن قالببافی می باشد که برای تسهیل این فعالیت اقتصادی زنان ترکمن در تام، در نظر گرفتن اتاق یا انباری جهت تهیه قالی از مهمترین بخش های طرح ریزی و ساخت تام بوده

است. در زمستان‌ها معمولاً دار قالی در یکی از اتاق‌های تام برپا می‌شده است و در تابستان در کارگاه یا انباری بیرون از تام دارهای قالب بافی برپا می‌شده است. اصلیت‌ترین فعالیت اقتصادی مردان این منطقه ماهیگیری است. از آنجا که برای نگهداری ماهی، معمولاً آن را نمک سود می‌کنند و ماهی‌های نمک سود شده را در اتاقی نگاه می‌دارند، این فضا نیز در طراحی تام مورد توجه است، چنانچه معمولاً برای نمک سود کردن ماهی‌ها آنها را از طناب یا سیمی از ستون‌های طبقه دوم تام در ضلع جنوبی آن که آفتابگیر است، می‌آویزند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ خانه از منظر انسان شناختی «مجموعه ارزش‌ها و معانی است که چپستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعریف و تعیین می‌کند.» اینکه خانه را چگونه بسازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشانه‌هایی در آن بکار بریم، درباره آن چه احساس و تلقی داشته باشیم، چه کارهای و فعالیت‌هایی در آن انجام بدهیم یا انجام آنها در خانه را ممنوع کنیم، چگونه خانه خود را توصیف و ترسیم نماییم، چه کسانی را در خانه ببریم و از ورود چه کسانی اجتناب کنیم، خانه را مقدس یا امری عرفی بدانیم، چه نسبتی بین خانه و سایر ابعاد زندگی اجتماعی برقرار سازیم، چه آیین‌هایی را درون خانه و کدام را بیرون آن بجا آوریم و تمام اینها بواسطه «فرهنگ خانه» در هر جامعه پاسخ داده می‌شود. و فرهنگ خانه زیر مجموعه‌ای از کلیت فرهنگ جامعه است. از اینروست که هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد، فرهنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه‌های یک ملت و قوم شکل می‌گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، فرهنگ خانه نیز تغییر می‌کند. و از اینروست که دوره‌های مختلف تاریخی، فرهنگ‌های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد. همچنین «معنادار بودن محیط» و تأثیری که محیط از طریق حواس بر ذهن

انسان می‌نهد، و بالنتیجه معنایی که از تماس با محیط و با قرار گرفتن انسان در فضایی به او القاء و یا به ذهن متبادر م‌شود و نهایتاً «تحولات فرهنگی و رفتاری ناشی از تأثیرات محیط»، موضوعاتی هستند که نه تنها از طریق استدلال منطقی بلکه با روشهای تجربی نیز به اثبات رسیده‌اند. در مقاله حاضر ابتدا به مفاهیم فرهنگ، مسکن و سکونت و مفاهیم مرتبط با آن، اشاره‌ای مختصر شد و سپس با بررسی ضمنی به مفهوم فرهنگ‌گرایی، و به نظریات فرهنگ‌گرایانه در مسکن و تأثیر تکنولوژی در ساخت و طراحی مسکن بالاخص مسکن ترکمن اشاره شد. در خصوص رویکردهای نظری به معنای محیط و خانه باید گفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. الگوی حاکم بر رفتار گروه اول بیش از آنکه برگرفته از اقلیم و فرهنگ باشد تحت تأثیر اقتصاد و قواعد آن است. بر همین اساس، سرعت ساخت‌وساز و صرفه اقتصادی، ارزش‌های کلیدی هستند که پرداختن به بسیاری از ملاحظات دیگر را غیرضروری می‌دانند.

۲. در مورد گروه دوم نیز سنت ترجمه متون دانشگاهی اغلب فرصت چندانی به مهندسان ایرانی، برای شناخت مدل‌ها و قابلیت‌های فرهنگ بومی و خلاقیت در راستای آنها را نمی‌دهد، ضمن آنکه خود این گروه نیز درگیر محدودیت‌های اقتصادی و بازار هستند؛ بنابراین، در خروجی کار این گروه نیز اثری از مطالعه ارزش‌ها و هنجارها و انتظارات ساکنان و لحاظ کردنشان در فرآیند اجرا دیده نمی‌شود.

لذا باید گفت که عوامل ۶ گانه زیر در شکل خانه بومی تأثیرگذار است:

۱. «عوامل فیزیکی»: شکی نیست که عوامل فیزیکی یکی از مهمترین عناصر تأثیرگذار در شکل بناها و بویژه خانه‌ها است. توجه به اقلیم و موقعیت آب و هوایی محل استقرار بنا تأثیر مستقیم در انتخاب شکل آن داشته است. یکی از مهمترین

کارکردهای خانه تأمین نیاز انسان به سرپناه است. انسان همواره در تلاش برای محافظت از خود در برابر تغییرات جوی بوده از اینرو ساخت خانه هایی متناسب با اقلیم سکونت گاه انسان ها اجتناب ناپذیر بوده است. گرچه امروز بهبود تکنیک ها و مصالح ساختمانی تا حدی جبر فیزیکی را تحت الشعاع قرار داده اما نتوانسته است آن را از فهرست عوامل مؤثر در شکل بنا خارج کند. از گذشته تا کنون مثال های گویایی از معماری خانه های منطبق بر شرایط اقلیمی را می توان برشمرد.

۲. «مصالح و تکنولوژی ساخت و ساز»: بشر در طول هزاران سال از مصالحی چون سنگ، خشت، چوب، حصیر و نمد و غیره برای ساختن خانه استفاده کرده است. گرچه یافته های باستان شناسی نشان می دهد که گاهی مصالح مورد نیاز برای بناها و به خصوص بناهای تشریفاتی و مناسکی، از سرزمین های دوردست منتقل می شده اند اما در اغلب موارد از مصالح در دسترس استفاده شده است. آشنایی با مصالح و نحوه استفاده از آنها برای ساختن خانه ای مناسب ضروری است. اما آیا می توان گفت شکل بنا صرفاً به مصالح استفاده شده در آن بستگی دارد؟ شکل بنا حاصل روند تدریجی مهارت انسان ها در بهره گیری از مصالح و بهبود تکنیک های ساخت و ساز است. البته نمی توان شکل بنا را تنها به مصالح یا تکنیک های به کار رفته نسبت داد. راپاپورت در بهترین حالت از تکنولوژی، شیوه ساخت و مصالح به عنوان «عوامل تغییر دهنده» و نه تعیین کننده شکل یاد کرده است. یافته های انسان شناسی نظر وی را تأیید می کند. به عنوان مثال در چین به رغم عمومیت استفاده از سفال و تکنیک واحد، ممکن است شکل پوشش سقف خانه های یک روستا به دلیل باور به پدیده فنگ شویی، با یکدیگر تفاوت داشته باشند. رابطه مصالح با تکنیک استفاده از آنها حائز اهمیت است. نحوه استفاده از مصالح یکسان می تواند بسیار متنوع باشد. عامل تعیین کننده فرهنگ است.

۳. «سایت و موقعیت»: منظور از سایت و موقعیت، محل قرار گرفتن بنا است. موقعیت می تواند با توجه به جغرافیا و توپوگرافی در نظر گرفته شود یا مقصود از آن مکان قرار گرفتن بنا در همسایگی سایر بناهای مجموعه زیستی باشد. در این مورد نیز نمی توان قائل به جبر اکولوژیک بود و ادعا کرد که شکل بنا را موقعیت آن بر زمین یا موقعیت آن در شهر یا روستا تعیین می کند اگرچه این موضوع اهمیت دارد اما هرگز به تنهایی برای توجیه اشکال متنوع بناها کافی نیست. زمین های با مشخصات مشابه می توانند مولد شکل های بسیار متفاوت خانه ها باشند و شکل های مشابه می توانند در سایت های بسیار متفاوت ساخته شوند.

۴. «دفاع»: دفاع یکی از مؤلفه های اجتماعی مؤثر در شکل بنا است. حصارها، پرچین ها، دیوارهای بلند و همه به منظور ممانعت از ورود دیگران و گاه حتی به منظور استتار از انظار دیگران ساخته شده و به بناها شکل داده است. خانه به خصوص بنایی است که باید قابلیت برآوردن حداکثر امنیت و نیز احساس امنیت را داشته باشد. به نظر می رسد سازماندهی فضایی بر اساس عامل دفاعی مستلزم توجه به سبک زندگی و به ویژه شیوه معیشت و باورهای انسان ها است؛ چراکه عامل دفاع با توجه به آنها مفهوم می یابد. به عبارتی این عوامل مشخص می کنند که چه چیزی بیشتر شایسته دفاع است.

۵. «اقتصاد»: نظریات بشماروی وجود دارد که اقتصاد را یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده شکل بنا و بلکه مهمترین آنها معرفی می کند. شواهد زیادی در دست است که انسان ها در همه ادوار خانه هایی متناسب با شیوه معیشت و توان اقتصادی خویش بنا نموده اند. اما شواهدی نیز موجود است که شکل بنا را از انحصار عامل اقتصاد خارج می کند و تأثیر بی قید و شرط آنرا زیر سؤال می برد. شیوه اقتصادی مشابه می تواند سازمان های فضایی مختلفی ایجاد کند. راپاپورت چنین نتیجه

می‌گیرد که «اقوام با نظام‌های اقتصادی مشابه می‌توانند دارای نظام‌های ارزشی و جهان بینی‌های متفاوت باشند و از آنجا که خانه جلوه یا بیان فلسفه زندگی یا جهان بینی می‌باشد، در نتیجه نظام اقتصادی اثر تعیین کننده‌ای بر شکل خانه نخواهد داشت. رابطه اقتصاد و سازماندهی فضایی لزوماً عقلانی نیست. بسیار اتفاق می‌افتد که با ورود به شهر یا روستایی بی‌درنگ متوجه بناهای مجلل و با عظمت می‌شویم که منطقاً باید بیانگر ثروت مالکان آنها باشد. در حالیکه پس از چندی در می‌یابیم از چنان ثروت عظیمی برخوردار نیستند. نکته آنجاست که بنای مجلل نمادی از پرستیژ و حیثیت یا به عبارتی سرمایه‌ی اجتماعی مالک است نه لزوماً سرمایه اقتصادی وی. با نگاهی به فهرست بلندترین برج‌های جهان، در می‌یابیم اکثر این برج‌ها که نیازمند صرف هزینه‌های گزاف هستند، در کشورهای در حال توسعه و نه کشورهای ثروتمند ساخته می‌شوند.

۶. «مذهب»: بارزترین شکل اجبار غیر فیزیکی التزام به باورهای دینی است. افراطی‌ترین دیدگاه درباره‌ی تأثیر مذهب بر سیمای خانه آنست که خانه را به عنوان یک معبد و محلی برای عبادت می‌داند. این نظریات خانه را نمود سازماندهی فضا به دو قسم مقدس و نامقدس معرفی می‌کند. خانه فضای درون را از بیرون، خودی را از دیگری جدا می‌سازد و مأمنی برای توسل به نیروهای ماوراء طبیعی فراهم می‌کند. این قبیل نظریه‌ها تلاش دارند همه چیز را در خانه به عامل مذهب نسبت دهند. شاید با نگاهی سنجیده تر بتوان عامل مذهب را در شکل دادن به یک مجموعه، شکل کلی شهر مؤثر دانست. چراکه باعث گسترده شدن سایه بر فضای کوچه در آفتاب کویری یزد می‌شود. در نهایت نگاه جبرگرایانه باید کنار گذاشته شود. می‌دانیم واقعیتی وجود دارد، اینکه خانه نیز مانند تمام تولیدات فرهنگی دیگر دارای بار ارزشی و سمبلیک است. لذا در تعیین عوامل مؤثر بر شکل خانه لازم است ضمن

بررسی فاکتورهای مادی به دین به عنوان فاکتور غیر مادی تأثیرگذار در روند سازماندهی فضایی نیز اشاره شود. «دین به عنوان عامل بیان شکل خانه بیشتر امکان گراست تا تعیین کننده».

در مسکن ترکمنها بیشترین اصل مورد توجه میزان «اختلاط با طبیعت و زیست بوم» اطراف می‌باشد. در واقع نوع زندگی این افراد و شیوه زندگی آنها که در ابتدا به صورت کوچ نشینی بوده است، امکان رابطه مسالمت آمیز با طبیعت اطراف را فراهم کرده است. لذا در تحلیل ساختار نحوی- کالبدی معماری مسکن ترکمنها در دوره‌های مختلف تاریخی و در برهه‌های اجتماعی متفاوت، باید نگاهی عمده و رویکردی غالب به پیوستاری و همبستگی شکلگیری مسکن و طبیعت اطراف و نوع شیوه‌های استقرار و آداب و رسوم و بافت اجتماعی- فرهنگی این مناطق داشت که البته امروزه به واسطه تکنولوژی‌های نوین ساخت این گونه مسکن کم‌رنگ شده و رنگ باخته است. در رابطه با تأثیر تکنولوژی بر تغییر الگوهای زیستی ترکمنها می‌توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد:

۱. یکجانشین شدن ترکمنهای عشایر و تغییر پیشه و معیشت دامداری؛
۲. تغییر ارتباط و پیوستگی با طبیعت و زیست بوم منطقه به واسطه ساخت مساکن جدید؛
۳. تغییر نوع چیدمان و سازماندهی فضایی خانه‌های بومی و اوی‌های ترکمن از الگوی دایره‌ای به ساختار فعلی که مطابق با نظام پدرسالاری بافت اجتماعی ترکمنها بوده است؛
۴. از بین رفتن فضاهای باز و نیمه باز در تمام‌های ترکمن که به «تلار» معروفند؛
۵. از بین رفتن محل نگهداری ماکیان و دام و طیور در تمام‌های ترکمن نسبت به مسکن امروزی ترکمنها؛
۶. تغییر محل آشپزخانه که بیرون از خانه بوده و محل نان پختن و تنور؛
۷. تغییر تعداد و ابعاد اتاق در تمام‌های ترکمن نسبت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۶۱

جدول ۲. تحلیل و ارزیابی بافت اجتماعی تاثیرگذار بر شکل گیری مسکن بومی ترکمن؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق.

ارکان اجتماعی	(خانه) جوامع سنتی ترکمن	(مسکن و آپارتمان) جوامع مدرن ترکمن
الگوهای فرهنگی		
ارزش ها	همگن؛ ویژگی مذهبی؛ خرده فرهنگ ها و تقابل فرهنگی اندک	نامتجانس؛ تقابل فرهنگی زیاد بر اثر تاثیرات تعاملات و مواجهات فرهنگی و جهانی شدن در عصر اطلاعات
هنجارها	مظاهر اخلاقی والا؛ تحمل اختلافات اندک	مظاهر اخلاقی متغیر؛ تحمل اختلافات زیاد
موقعیت زمانی	زمان حال در ادامه گذشته اقوام ترکمن	زمان حال متصل به آینده (نامعلوم) اقوام ترکمن
تکنولوژی	پیش صنعتی؛ نیروی انسانی و حیوانی	صنعتی؛ منابع انرژی بیشتر
ساختار اجتماعی		
وضعیت و نقش اجتماعی	وضعیت های اجتماعی محدود؛ اغلب انتصابی؛ وظایف تخصصی محدود	وضعیت های اجتماعی متعدد؛ برخی انتصابی و برخی استحصالی؛ وظایف تخصصی زیاد
خویشاوندی	نمونه ابتدایی؛ حریم خصوصی و خلوت ضعیف	نمونه ثانوی؛ حریم خصوصی و خلوت متناهی
ارتباطات	چهره به چهره	ارتباط چهره به چهره مکمل با وسایل ارتباط جمعی
نظارت اجتماعی	شایعات بی اساس غیررسمی	پلیس رسمی و سیستم قانونی
طبقه بندی اجتماعی	الگوهای نابرابری اجتماعی مقاوم؛ انعطاف اندک	الگوهای شناور نابرابری اجتماعی؛ انعطاف قابل توجه
الگوهای جنسی	پدرسالاری محتوم؛ زنان در میان خانه زندگی می کنند	کاهش پدرسالاری؛ افزایش تعداد زنان در نیروی کاری درآمدزا
اقتصاد	اقتصاد مبتنی بر کشاورزی؛ تولید ارزان در منزل؛ کار اداری اندک	مبتنی بر تولید انبوه صنعتی؛ کارخانجات مرکز تولیدند؛ افزایش کار اداری
وضعیت دولت	دولت با مقیاس کوچک؛ مداخله کم دولت در اوضاع اجتماعی	دولت با مقیاس بزرگ؛ مداخله قابل توجه دولت در اوضاع اجتماعی
خانواده	خانواده گسترده به مفهوم اولیه اجتماع و تولید اقتصادی	خانواده هسته ای به عنوان بخشی از اجتماع و بیشتر مصرف گرا
مذهب	جهانبینی مذهبی؛ ضعف در تجمیع مذاهب	تضعیف مذهب توسط رشد علم؛ تجمع قابل توجه مذاهب
تحصیل	تحصیل رسمی محدود برای افراد خاص	رشد تحصیلات پیشرفته
سلامت	زاد و ولد و مرگ و میر زیاد؛ سن امید به زندگی پایین به دلیل پایین بودن استانداردهای زندگی و درمان ابتدایی	زاد و ولد و مرگ و میر اندک؛ سن امید به زندگی بالا به دلیل ارتقای استانداردهای زندگی و تکنولوژی درمانی همراه کننده
الگوهای استقرار	مقیاس کوچک؛ گروه جمعیتی کوچک و عمدتاً توضع شده در روستاها و شهرهای کوچک	مقیاس بزرگ؛ گروه جمعیتی بزرگ و متمرکز شده در شهرها
تغییرات اجتماعی	آهسته؛ ظهور در طی بیش از چند نسل	سریع؛ ظهور طی یک نسل

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۶۲

به مسکن امروزی؛

۸. تغییر مفهوم محرمیت و جدایی گزینی مهمان از افراد خانه از خانه های قدیم ترکمن تا مسکن جدید آنها؛

۹. تغییرات گسترده در معماری داخلی و فضاهای داخلی خانه های بومی نسبت به مسکن فعلی ترکمن.

اصول سیاستی و برنامه های پیشنهادی فرهنگی بخش مسکن در رابطه با اقوام بومی و بالاخص ترکمنها در راستای ارتقاء میزان سازگاری بهتر با فرهنگ بومی منطقه و مناسبات فرهنگی- اجتماعی آنها عبارتند از:

۱- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه طراحی معماری در بخش مسکن و لزوم نقد تحولات فرهنگی رایج در شرایط معاصر معماری ایران و جستجوی راهکارهای مدیریتی و نظارتی در ارتقاء برهمکنش سازنده معماری و فرهنگ؛

۲- تقویت بنیانها و تم مایه های ملی و دینی با توجه به ویژگیهای قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع اثرگذاری این مولفه های هویتی و فرهنگی و اجتماعی در زمینه طراحی مسکن؛

۳- گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری و علمی و همچنین حمایت از فعالیتهای و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه بخش مسکن با نظارت ارگانهای و سازمانهای متولی وابسته به ساختار دولت؛

۴- بازشناسی و ارزیابی مواریت و سنن تاریخی و ملی در عرصه های مختلف طراحی مسکن ایرانی- اسلامی و نگاهبانی از مآثر و مواریت اسلامی و ملی در حوزه معماری؛

۵- فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق در رابطه با معماری فرهنگی و بهره گیری از نتایج آن در همه زمینه ها منجمله طراحی و ساخت مسکن بومی مبتنی و منتج از فرهنگ و مولفه های اجتماعی اصیل موجود؛

۶- شناخت فرهنگ و تجربه های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی و با بهره گیری از کلیه روشها و ابزارهای مفید و مناسب در زمینه برنامه هویتی و ماهوی مسکن؛

منابع و مآخذ

۱. اشتری، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر سوم.

۲. باشلار، گاستون (۱۳۹۲) بوطیقای فضا، ترجمه: مریم کمالی، محمد شیربچه، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول

۳. برومبزه، کریستین (۱۳۷۰)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، ترجمه علاءالدین گوشه گیر، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۴. بیستی، حامد (۱۳۹۱) ارزیابی جایگاه مسکن بومی در برنامه های ساخت و ساز مسکن روستایی، مدیریت شهری، شماره ۲۹.

۵. پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.

۶. پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴، ش ۴۱، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵؛ بهمن ۴۶).

۷. پوری، عبدالحمید (۱۳۷۶) شناسایی طرح ها و نقوش فرش ترکمن، مجموعه مقالات سمینار علمی فرش ترکمن، جهاد سازندگی استان گلستان، گرگان ۲۲-۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۶

۸. خاکپور، مژگان (۱۳۸۴) مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.

۹. خاکپور، مژگان و دیگران (۱۳۹۴) ویژگیهای اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹.

۱۰. راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه رضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران

۱۱. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه صدف ال رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۱۶۳

۱۲. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۳. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
۱۴. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۵. راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله همگنی یا ناهمگنی در محله‌های شهری، ترجمه شبهم اسماعیلی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
۱۶. راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
۱۷. راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
۱۸. راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۹. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
۲۰. سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۰) پدیدارشناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳.
۲۱. شفایی، مینو و رامین مدنی (۱۳۹۰) تبیین روش زمینه یابی در طراحی الگوی مسکن روستایی، آرمانشهر، شماره ۷.
۲۲. شوای، فرانسوا (۱۳۸۲) شهرسازی واقعیات و تخیلات، ترجمه سید محسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عینی فر، علیرضا (۱۳۸۲) الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۳.
۲۴. فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن
- (رویکرد مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱
۲۵. کیتسی، جاتین (۱۳۷۸) اسطوره و نشانه شناسی در ارتباط با فرشهای شرقی، مجله قالی، ش ۹۰
۲۶. کنعانی، محمد امین (۱۳۷۹) ترکمن های ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴.
۲۷. گلی، امین (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها، نشر علم، تهران.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۹. لوگاشوا، بی بی رابعه (۱۳۵۹) ترکمنهای ایران، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات شباهنگ.
۳۰. نوبربری شولتز، کریستیان (۱۳۸۱) مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیر یار احمدی، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
۳۱. نوبربری شولتز، کریستیان (۱۳۸۰) تفکر هایدگر در معماری، ترجمه نیر طهوری، نشریه معمار، شماره ۱۲.
۳۲. نوبربری شولتز، کریستیان (۱۳۸۲) معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان جهان.
۳۳. وامبری، آرمینیوس (۱۳۶۵) سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۳۴. یاراحمدی، محمود امیر (۱۳۷۸)، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۵. یاران، علی و ارس مهرانفر (۱۳۹۴) تطابق شاخصهای مسکن بومی گیلان با معماری مدرن غرب، آرمانشهر، شماره ۱۵.